



**The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The 14 rd.  
Year/NO: 4 Winter 2022**

**خسارت و جبران آن در حقوق مصرف**

سید احد یوزباشی<sup>۱</sup> یوسف مولائی<sup>۲</sup> عادل عباسی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

**چکیده**

امروزه مصرف هويت جهانی پیدا کرده و تمام ساکنان زمین به نوعی نقش مصرف‌کننده را ایفاء می‌کنند و به‌لحاظ خصوصیات مصرف‌کنندگی، بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند. محصولات تولیدی انبوه و عمده به مصرف‌کنندگانی عرضه می‌شوند که از قبل شناخته شده نیستند و هیچ ارتباط مستقیمی با تولیدکننده ندارند و عمدتاً این محصولات توسط فروشندگان به مصرف‌کننده ارائه می‌گردد، از طرف دیگر توزیع‌کننده و فروشنده هیچ اطلاعی از ماهیت کالاها و مواد عرضه شده و عیوب احتمالی موجود در آن ندارند و ممکن است تعداد قابل توجهی از مردم به دلیل استفاده از یک محصول غیرایمن و یا معیوب آسیب ببینند و مصرف‌کننده نیز به غیر از فروشنده با هیچ شخص دیگری رابطه حقوقی ندارد. حمایت از زیان‌دیدگان و جبران خسارات ایشان تکلیف دولت‌ها است و مقررات موجود در قوانین مدنی و مسئولیت مدنی در کنار سایر قواعد شکلی این وظیفه را عهده‌دار است. ولی این مقررات با توجه به محدودیت اصل نسبی بودن قراردادها نمی‌تواند بنحو مناسبی از مصرف‌کننده زیان‌دیده حمایت کند. حق جبران خسارت یکی از حقوق جهانی مصرف‌کننده است و باید قوانین ملی از این طریق به حمایت از مصرف‌کننده بپردازند. قوانین حمایت از مصرف‌کننده باید به‌نحوی تنظیم شوند که مصرف‌کننده با کمترین هزینه و در کوتاهترین زمان به حقوق احتمالی خود برسد، هدف این نوشتار بیان تفاوت ماهوی خریداران، معرفی قواعد و مقررات ویژه حاکم بر نظام جبران خسارت وارده به مصرف‌کننده، ضمانت اجراهای در دسترس وی و تعیین مرجع صالح برای رسیدگی به مطالبات و خسارات ناشی از ارتکاب تخلفات صنفی به روش تحلیلی و توصیفی خواهد بود.

**کلمات کلیدی:** خسارت، عرضه‌کننده، تولیدکننده، مسئولیت، تضامن

vahed\_amiri@yahoo.com

۱. دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. (نویسنده مسؤول).

۳. استادیار گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

## مقدمه

امروزه یکی از مهم‌ترین ارتباطات حقوقی و اقتصادی که نیازمند توجه ویژه به آن است، ارتباط تأمین‌کنندگان (تولیدکننده، عرضه‌کننده، فروشنده) با مصرف‌کنندگان است، بخش اعظمی از درآمد جامعه صرف تأمین کالا و خدمات می‌شود و اختلافات زیادی نیز بین این دو گروه ایجاد می‌گردد که عملاً مصرف‌کنندگان بعنوان طرف ضعیف معامله دچار خسارت می‌شوند. منتهی مزیت‌های موجود در قوانین هر کشور و ضمانت‌اجراه‌های در دسترس مصرف‌کننده و نوع مراجع رسیدگی‌کننده، نقش اساسی در جبران این خسارات ایفاء می‌نمایند. نظام‌های مختلف حقوقی راهکارهای متفاوتی در حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در نظر می‌گیرند، در ایران به لحاظ نوپا بودن حقوق مصرف، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و سایر قوانین حمایتی همانند قوانین نظام صنفی مورد توجه جدی محاکم و مراجع حل اختلاف و حقوق‌دانان قرار نگرفته است و در عمل هیچ تفکیکی بین معاملات مصرف‌کننده با سایر معاملات به وجود نیامده، و به لحاظ غلبه حقوق مدنی کلاسیک بر روابط متعاملین و همچنین دیدگاه‌های فقهی پیرامون جبران خسارت، ذینفعان از قواعد و مقررات حقوق مدنی برای حل اختلافات و جبران خسارت خود استفاده می‌کنند، بدیهی است که به لحاظ زمان‌بر بودن رسیدگی به اختلافات حقوقی و لزوم پرداخت هزینه دادرسی و اختلاف‌نظرهای فقهی در اصل قابلیت جبران کلیه خسارات و حکم مشهور فقها همچون شهید ثانی، علامه حلی و محقق کرکی در خصوص عدم مطالبه غرامت منافی که از کسب و کار حاصل می‌شود، اقدام به طرح دعوی توسط زیان‌دیدگان صرفاً در رابطه با دعوی کلان قابل توجیه بوده و اختلافات و خسارات کم‌اهمیت عملاً مورد توجه جدی نخواهد بود.

از آنجا که در رابطه مسئولیت تولیدکننده نیاز به مقررات خاصی نبوده، سعی می‌شد این مشکل در چهارچوب اصول کلی مسئولیت حل گردد، در نتیجه تولیدکننده فقط در مواردی که محصول دارای عیب باشد، مسئول خسارت خواهد بود. با این حال بسیاری از وقایع رخ داده در قرن گذشته نشان داده که اصول کلاسیک مسئولیت بر مبنای عنصر تقصیر برای حل مسئولیت تولیدکنندگان کافی نیست، مسئولیت ناشی از فعل من غیرحق بر این فرض استوار است که طرفین در موقعیت برابر بوده و شرایط مسئولیت در این وضعیت تحقق می‌یابد، بویژه باید تقصیر تولیدکننده توسط زیان‌دیده ثابت شود. قوانین مسئولیت بر مبنای تقصیر، که با فرض برابری طرفین تنظیم می‌شوند کافی نبوده و افرادی که در موقعیت مصرف‌کننده هستند با مشکلاتی مواجه می‌شوند که نمی‌توانند بر آن غلبه کنند. به‌طور خاص، در سیستم مبتنی بر تقصیر، لزوم اثبات تقصیر تولیدکننده و عیب محصولی که موجب خسارت شده، موجب زحمت زیان‌دیده می‌شود. به سبب همین نواقص قوانین خاص حمایت از مصرف‌کننده در نظام‌های مختلف حقوقی به موقع اجراء گذاشته شد و کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست.

با وجود مقررات خاص در حوزه حمایت از مصرف‌کننده و مقررات صنفی، عمده تحقیقات به‌عمل آمده از ناحیه پژوهشگران در رابطه با خسارات وارده به مصرف‌کنندگان در مفهوم عام شامل کلیه خریداران اعم از مصرف‌کننده و غیرمصرف‌کننده، ناشی از مصرف کالای معیوب یا خطرناک بوده و اساساً خسارات وارده به مصرف‌کننده در مفهوم خاص و خسارات ناشی از ارتکاب تخلفات صنفی تأمین‌کنندگان، مورد امعان‌نظر جدی قرار نگرفته است و این مهم‌ترین ایراد نظام حقوقی ماست که موجب محجور ماندن قوانین حمایت از مصرف‌کننده و مغفول ماندن مزایای آن شده است. هدف از این تحقیق رفع این نواقص و ارائه روش مناسب جهت حمایت از مصرف‌کنندگان و جبران خسارات وارده است.

## ۱- قرارداد مصرف کننده

عدم شفافیت در قانون مشکلات عدیده‌ای برای مصرف‌کنندگان از نظر نحوه پیگیری حقوق خود و تعیین مراجع صالح ایجاد می‌کند، چون اگر معامله‌ای را قرارداد مصرف‌کننده تلقی کنیم مرجع صالح برای رسیدگی تعزیرات حکومتی و اگر قرارداد مصرف تلقی نشود محاکم عمومی صالح به رسیدگی خواهند بود که نتیجه این تشخیص در وضعیت اقتصادی شاکی و زمان احقاق حق و حتی نتیجه دعوی مؤثر خواهد بود، لذا تعریف قراردادهای مصرف جهت بازشناسی آن از سایر قراردادهای تأثیر بسزایی در نحوه حمایت از حقوق مصرف‌کننده دارد.

مفهوم مادی قراردادهای مصرف‌کننده در حقیقت مسأله تعیین سطح استفاده از اقدامات حمایتی از قراردادهای مصرف‌کننده است در این زمینه به موازات توسعه حقوق مصرف، مفهوم قراردادهای مصرف نیز اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده و به‌عنوان یکی از مفاهیم اساسی حقوق مصرف‌کننده در مقررات ملی و بین‌المللی مختلف جای گرفته است.

ماده ۲ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ اشعار می‌دارد؛ قراردادهای فروش به شکل قراردادهای مصرف‌کننده بعنوان قرارداد فروش برای استفاده شخصی یا خانوادگی یا استفاده خانگی تعریف شده و از محدوده تعریف قرارداد موضوع کنوانسیون یاد شده، خارج هستند.

در قوانین حمایتی ایران و در سایر قوانین و مقررات نیز قرارداد مصرف و انواع آن به‌طور مشخص تعریف نشده در قانون مدنی عقود معین ذکر شده و به طرفین معامله اجازه داده شده برابر ماده ۱۰ قانون مدنی نسبت به انعقاد قراردادهای خصوصی و غیرمعین، به شرطی که خلاف صریح قانون نباشد اقدام نمایند. آنچه از بررسی ماده ۲ قانون حمایت و کلیات قوانین حمایتی ایران حاصل می‌شود قراردادهایی که می‌توانند فی‌مابین مصرف‌کننده و کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات منعقد شوند قراردادهای خرید و فروش و به تعبیری قراردادهای بیع هستند، چه بصورت شفاهی و چه بصورت کتبی منعقد شوند منتهی با عنایت به ماده ۱۰ قانون مدنی مقید به رعایت شرایط و مقررات عقد معین بیع نیستند.

## ۲- خسارت و جبران آن در حقوق ایران و فقه اسلام

یکی از اصول بنیادین حقوقی که از سوی بعضی حقوقدانان و نظام‌های حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته همانا اصل لزوم جبران ضرر است. در فقه اسلام نیز بعضی از فقها به طرفداری از این اصل پرداخته و با استناد به قاعده لاضرر، این اصل را یک اصل مسلم شرعی دانسته‌اند، هرچند مشهور فقها با این اصل مخالفت نموده و مورد پذیرش قرار نداده‌اند. خسارت، مفهوم و انواع آن در نظام حقوقی، جایگاه خود را پیدا کرده و در قوانین متعدد، مانند آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و آیین دادرسی کیفری به‌طور مبسوط توصیف شده‌اند.

خسارت در لغت به معنی زیان و ضرر و در اصطلاح معامله به معنی کم آمدن حاصل فروش از قیمت خرید و ضرر در تجارت و زیان در معامله آمده است (معین، ۱۳۷۸، ص ۱۴۱۹) که در اصطلاح حقوقی نیز در همین معنی به‌کار می‌رود منتهی در معنی لغوی به معنای ضرر و زیان مادی است، لیکن در مفهوم حقوقی هم شامل ضرر مادی و هم ضرر معنوی است. ولی آنچه در این مبحث مورد توجه بوده لزوم جبران ضرر و مبنای آن است. همواره ورود و اثبات زیان یکی از ارکان تحقق مسؤلیت و جبران خسارت مهم‌ترین هدف از این مسؤلیت می‌باشد، پاسخ به این سوالات که چه خساراتی قابل جبران است؟ و یک خسارت تا چه حد و اندازه‌ای قابلیت جبران دارد؟ مهم و راهگشاست.

مشهور فقها همچون شیخ مرتضی انصاری، مرحوم نایینی و احمد خوانساری که مخالف اصل لزوم جبران کلیه خسارات هستند، معتقدند برای اثبات ضمان نه به قاعده «لاضرر»، بلکه صرفاً باید به قواعد دیگر همچون اتلاف، ید و غرور رجوع کرد چرا که قاعده لاضرر نقشی جز نفی احکام مجعولیه ضرری نداشته و درخصوص ضرری که فاقد حکم باشد هیچ رسالتی ندارد.

یکی از فقهای طرفدار نظر مشهور مرحوم میرزای نایینی بر این باور است که ضمان موجبات و عناوینی دارد که تنها در آن چهارچوب خسارات قابلیت جبران پیدا می‌کند. قاعده لاضرر نمی‌تواند خود سبب ایجادکننده ضمان باشد و بدین وسیله حکمی عام به ایجاد ضمان دهد (خوانساری، ۱۴۰۳ ق، ص ۴۱۸) و در جای دیگر عنوان می‌دارد: «دانسته شد که از سوی هیچ فقیهی نفس ضرر به عنوان یکی از موجبات ضمان معرفی نشده است، مگر آنکه ضرر در قالب اتلاف درآید تا قابل جبران دانسته شود». (همان، ص ۳۹۲)

با اتکاء به نظریه مشهور فقها باید اذعان کرد خسارات وارده در حقوق مصرف‌کننده که واجد عناوین قواعد نباشد و عموماً نیز این چنین است قابلیت جبران نخواهد داشت. به‌خصوص اینکه نظر مشهور فقها<sup>۱</sup> در رابطه با عدم مطالبه غرامت منافع حاصل از کسب و کار نیز مؤید این برداشت خواهد بود.

ولی اصل جبران کلیه خسارات در فقه امامیه، نه مورد انکار مسلم فقها و نه مورد تأیید قاطبه فقهای امامیه قرار گرفته است. هرچند میان فقها در این خصوص که چه چیزی ضرر بوده و چه چیزی ضرر محسوب نمی‌شود، بحث‌های زیادی در گرفته است، اما قاطبه فقها معتقدند که بحث تعیین ضرر و تمییز آن از غیر؛ یک بحث فقهاتی نیست و مربوط به عرف می‌باشد. بنابراین، ظاهراً عرفی دانستن مقوله خسارت و واگذاری تمییز خسارت از غیر آن به عرف، امری است که مورد قبول تمام فقها است. (خوانساری، ۱۴۰۵، ص ۱۹۱) هرچند عرفی دانستن مفهوم ضرر در فقه اسلام برای پذیرش اصل لزوم جبران خسارت کافی نیست، ولی در کنار آن با تأیید اصل جبران کلیه خسارات از سوی عقل و بنای عقلاء به عنوان چهارمین منبع کشف احکام فقهی و فقدان هرگونه دلیل معارضی که با این اصل به مقابله برخیزد و همگام با دیدگاه اساتید علم حقوق می‌توان این ادعا را که اصل لزوم جبران کلیه خسارات با مبانی موازین شرعی هیچ‌گونه مخالفت و مغایرتی ندارد<sup>۲</sup> (بابایی، ۱۳۸۴، ص ۶۱) را مورد پذیرش قرار داد. بدیهی است که این اصل به عنوان یک اصل حقوقی قابل پذیرش است.

قانونگذار در قوانین حمایتی از عبارت مطلق خسارت و جبران آن استفاده نموده و به نظر می‌رسد تمام انواع خسارت در حقوق مصرف قابل جبران باشد و این برداشت صحیح است، لیکن این اطلاق نمی‌تواند کلیه خسارات وارده به مصرف‌کننده را تحت شمول قوانین حمایتی قرار دهد، بعنوان مثال خسارات وارده به انسان نمی‌تواند موضوع قانون مصرف‌کننده باشد. زیرا اولاً قوانین خاصی جهت جبران خسارت وارده به جسم انسان وجود دارد ثانیاً استفاده از حقوق انتخابی در خسارات بدنی مانند بینایی مجدد، کسر از قیمت یا فسخ قرارداد باعث زنده شدن مرده یا بازگرداندن عضو از

دست‌رفته نمی‌شود. به عبارت بهتر زیان‌دیده از فعل من غیرحق اساساً مصرف‌کننده نیست تا مشمول قوانین حمایتی گردد. پس قطعاً خسارات جانی و بدنی تابع قانون حمایت نیست.

#### ۱-۲- خسارات وارده به مصرف‌کننده

پذیرش انواع قراردادهای مصرف‌کننده، با نگاه صرف به تعریف "معامله مصرف‌کننده"، به‌جای اینکه کلیت قانون حمایت را در نظر گرفته و هدف اصلی را تعیین کنید، اشتباه است.

آنچه درست است تعیین روابط حقوقی در هر نوع قرارداد با توجه به خصوصیات و موضوعات آنها است. این تفکیک مشخص می‌کند موضوع مشمول قانون حمایت بوده و یا مشمول قوانین عمومی یا سایر قوانین خاص خواهد بود.

از آنجا که هر عمل حقوقی منجر به مصرف نمی‌شود، باید معاملات حقوقی مصرف دقیقاً مشخص شود. تفسیر گسترده از قانون حمایت، منافع مورد انتظار را از این قانون، برآورده نمی‌کند. صلاحیت دادگاه‌های مصرف‌کننده باید محدود به "کالاهای معیوب" و "خدمات معیوب" در حوزه خرید کالاها و خدماتی باشد که نیازهای اساسی روزمره مردم را برآورده می‌کند. اختلافات خارج از آن و نقض قراردادهای مصرف‌کننده در دادگاه‌های عمومی رسیدگی شود.

خسارت ممکن است در نتیجه اعمال و رفتار مجرمانه و متخلفانه یک شخص و ارتکاب تخلفات موضوع قانون نظام صنفی و یا قانون حمایت وارد شده باشد و یا اینکه در نتیجه اعمال و رفتاری باشد که منع و مجازات قانونی در آن خصوص وجود ندارد. نحوه رسیدگی به خسارت‌هایی که ناشی از جرم نیست مانند مقابله با خسارت در قانون بیمه، قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی و خسارات ناشی از رفتار مجرمانه در قانون مجازات اسلامی تا حدودی روشن و واضح است، اما عموماً تکلیف خسارات ناشی از ارتکاب تخلفات صنفی و معاملات مصرف‌کننده که ضمانت اجرای کیفری خاصی دارند، معلوم نیست.

#### ۲-۲- جبران خسارت در قوانین حمایت از مصرف‌کننده

قانون‌گذار در قانون نظام صنفی دو روش برای بیان جبران خسارات وارده تعیین نموده است. در روش اول ضمن تعریف تخلفات متخلف و بیان عناصر مادی مرتبط، میزان مجازات مرتکب را به‌همراه الزام به پرداخت خسارت تعیین نموده است که در تخلفات گرانفروشی، کم‌فروشی، تقلب، فروش اجباری، فروش از طریق قرعه‌کشی و فروش فوق‌العاده یا اقساطی به این ترتیب عمل شده است. در روش دوم قانون‌گذار در ماده ۶۷ قانون نظام صنفی مقرر داشته «چنانچه بر اثر وقوع تخلف‌های مندرج در این قانون، خسارتی به اشخاص ثالث وارد شود، به درخواست شخص خسارت‌دیده، فرد صنفی متخلف، علاوه بر جریمه‌های مقرر در این قانون به جبران زیان‌های وارد شده به خسارت‌دیده نیز محکوم خواهد شد».

در بادی امر این چنین تصور می‌شود که ماده ۶۷ قانون نظام صنفی مبین جبران خسارات وارده بر اثر وقوع تخلفات صنفی بوده و لزومی به درج آن در هر یک از تخلفات، به‌صورت جداگانه همچنان‌که در روش اول ذکر شده نبوده است، ولی این برداشت صحیح نیست، چرا که در ماده مرقوم خسارت به اشخاص ثالث در مطلق تخلفات موضوع قانون نظام صنفی مدنظر قرار گرفته است. و آنچه در روش اول قید شده خسارات وارده به شخص مصرف‌کننده و زیان‌دیده از جرم در موارد مصرح است.

با توجه به مواد یاد شده اگر در اثر وقوع تخلفات صنفی به اشخاص ثالث خسارتی وارد شود زیان دیده حق درخواست جبران خسارت را دارد، ولی مصرف کننده اصلی و زیان دیده از جرم صرفاً در رابطه با تخلفات خاص و مصرح در قانون حق درخواست جبران خسارت را دارا می باشد. این تعارض، چگونه قابل رفع است، مصرف کننده و خریدار اصلی و طرف واقعی تخلف صنفی و زیان دیده در جبران خسارت وارده اولویت بر اشخاص ثالث دارد، و اعتقاد به عدم امکان جبران خسارات زیان دیده اصلی در سایر تخلفات صحیح به نظر نمی رسد. این یک تعارض ظاهری و قابل رفع است، آنچه در روش اول و در مواد ۵۷، ۵۸ و ۵۹ قانون نظام صنفی ذکر شده، تخلفاتی هستند که اساساً خسارت آن به اشخاص و خریداران اصلی وارد می شود؛ به طور مثال اگر شخص (الف) بعنوان فروشنده کالایی به شخص (ب) بفروشد احتمال اینکه شخص (ج) از این معامله متضرر شود بعید به نظر می رسد. به عبارت دیگر، زیان دیده از تخلفات مصرح در روش اول، مصرف کننده و خریدار اصلی است ولی در سایر تخلفات مانند احتکار، عرضه خارج از شبکه، با توجه به نوع تخلف اشخاص معین طرف معامله و رابطه فرد صنفی نبوده بلکه آحاد جامعه ذینفع حکم باشد و اگر اشخاص ثالث از وقوع این گونه تخلفات خسارت دیده باشند حق درخواست جبران خسارت را دارا هستند، پس اساساً تعارضی در این رابطه وجود ندارد. مسأله ای که ممکن است در این رابطه مطرح باشد اینکه آیا شخص ثالث در کنار شخص مصرف کننده اصلی و در رابطه با تخلفات مصرح در مواد ۵۷، ۵۸، ۵۹ و غیره می تواند متحمل خسارت گردد؟ در فرض مثبت بودن پاسخ، جبران خسارت بر چه اساس خواهد بود؟ ممکن است کالای معیوبی توسط شخص (الف) به شخص (ب) فروخته شود و به لحاظ عیب موجود و در اثر استفاده خریدار اصلی خسارتی به شخص ثالث همانند خانواده خریدار وارد شده باشد، به نظر می رسد جبران خسارت در این خصوص بر مبنای ماده ۶۷ قانون نظام صنفی به لحاظ ثالث بودن شخص زیان دیده انجام خواهد گرفت.

قانون گذار در قانون حمایت مصوب سال ۱۳۸۸ نیز به همان شیوه مندرج در روش اول قانون نظام صنفی عمل نموده و جبران خسارت وارده به مصرف کننده اصلی را مدنظر قرار داده، و در خصوص خسارات به اشخاص ثالث تعیین تکلیف ننموده است. در این رابطه می توان به تبصره ماده ۲ و مواد ۱۸ و ۱۹ و تبصره آن اشاره نمود. در خصوص خسارات ناشی از معاملات مصرف کننده در فرض عدم مطابقت کالا و خدمات و وجود عیب در آنها بر اساس ماده ۲ قانون حمایت و در رابطه با ارتکاب تخلفات موضوع قانون حمایت بر اساس ماده ۱۹ همان قانون تعیین تکلیف نموده است.

### ۳- مبانی مسؤولیت عرضه کننده کالا و خدمات در قانون حمایت

زندگی صنعتی امروزه نیز ضرورت های خاص خود را دارد، و جامعه مصرف ما به راهی می رود که کشورهای اروپایی و آمریکایی سال ها پیش پیموده اند، پس می توان از تجربه ها و نمونه های سودمند استفاده کرد، منتهی حقوق هر کشور مانند تمدن قومی که در آن بسر می برند، باید رنگ و بوی سستی خود را نیز داشته باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶)

#### ۳-۱- وضعیت موجود در حقوق ایران و اروپا

به موجب قانون مدنی ایران مشتری در صورت معیوب بودن کالا حق فسخ معامله یا نگهداری آن و اخذ ارزش را پیدا می کند. ولی همیشه مسأله مابه التفاوت ارزش کالای معیوب و سالم نیست که با فسخ معامله یا اخذ مابه التفاوت خاتمه یابد، گاه عیب موجود در کالا آن چنان خسارتی به بار می آورد که تفاوت ارزش در مقابل آن قابل اعتناء نیست، باید موضوع به طور کلی مورد توجه قرار گیرد و شخص مسؤل به فراخور موضوع، مکلف به جبران خسارت گردد. مبانی مختلفی در

رابطه با مسئولیت عرضه‌کننده کالای معیوب در قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی از سوی دکترین بیان شده ولی با توجه به چهره حمایتی قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده و الهام آن از حقوق بنیادین بشری، قضیه متفاوت است و نمی‌توان مبانی مدنظر در قوانین عادی و عام که بدون توجه به جنبه حمایتی از قشر خاص تهیه و تصویب شده‌اند مبنای تجزیه و تحلیل موضوع قرار داد.

ماده ۲ قانون حمایت چنین بیان می‌دارد: «کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، منفرداً یا مشترکاً مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه شده مطابق با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین و یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات هستند، اگر موضوع معامله کلی باشد، در صورت وجود عیب یا عدم انطباق کالا با شرایط تعیین شده، مشتری حق دارد صرفاً عوض سالم را مطالبه کند و فروشنده باید آن را تأمین کند و اگر موضوع معامله جزئی (عین معین) باشد، مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند یا ارزش کالای معیوب و سالم را مطالبه کند و فروشنده موظف است پرداخت کند، در صورت فسخ معامله از سوی مشتری، پرداخت خسارت از سوی عرضه‌کننده متفی است» این مقرر در ذیل فصل دوم قانون حمایت ایران با عنوان، وظایف عرضه‌کنندگان کالا و خدمات در قبال حقوق مصرف‌کنندگان بیان شده است و اساساً در مقام بیان تکالیف عرضه‌کنندگان بوده و نمی‌بایست احکام تخلف از این تکالیف در این ماده بیان می‌شد، چنانچه در لایحه اولیه و پیوست‌های متعدد و گزارشات کارشناس اولیه نیز هیچ اشاره‌ای به تخلف از این احکام و تکالیف نشده بود ولی ایرادات شورای نگهبان که بدون توجه به هدف و رسالت اصلی این قانون و بر اساس برداشت سنتی از قانون مدنی و فقه اسلام بیان شده بود، مجلس شورای اسلامی را مجبور به بیان احکامی که هدف قانون‌گذار در حمایت از مصرف‌کننده نبود، کرد. ولی آنچه از این ماده قانونی می‌توان استنباط کرد و اتفاقاً در راستای بحث مورد استفاده خواهد بود، قاعده مدنظر قانون‌گذار در مسئولیت عرضه‌کنندگان کالا و خدمات است و آن تضمین صحت و سلامت کالا از سوی عرضه‌کننده است که یکی از گام‌های اساسی در جدایی از نظریه سنتی تقصیر و حمایت از حقوق مصرف‌کننده است، بر پایه این نظریه تولیدکننده فارغ از وجود یا عدم وجود تقصیر و لزوم اثبات آن مسئول شناخته می‌شود، برخی از نویسندگان معتقدند با توجه به سیر تصویب قانون حمایت در ایران به‌ویژه ماده ۲ قانون حمایت و وجود عبارت «ضامن» به جای «مسئول» در طرح اولیه پیشنهادی و عدم تصویب عبارت مذکور در متن اصلی قانون و استفاده از واژه «مسئول» نشانگر عدم اقبال قانون‌گذار به نظریه تضمین سلامت و اعتقاد به ادامه نظریه سنتی تقصیر است چرا که مسئولیت اعلامی مقید به ضوابط اعلام شده در قوانین قرارداد، یا عرف شده است. با این وصف، واژه «مسئولیت» در محدوده ضوابط مذکور، ناظر بر مبنای عمده مسئولیت در نظام حقوقی ایران، یعنی تقصیر است. به بیان دیگر، حکم بر مسئولیت تولیدکننده به صورت مقید، فی‌نفسه بر «چیستی مبنای مسئولیت» برای خسارات ناشی از تولید کالا دلالت ندارد، و صرفاً شخص مسئول را تعیین می‌کند، لذا با لحاظ اینکه درباره این مبنا قرینه خاص ارائه نشده، باید آن را مبنای پذیرفته شده در نظام مسئولیت مدنی حمل نمود، که به‌طور عمده و جز در موارد خاص همان تقصیر است. (حضرتی شاهین دژ، ۱۳۹۷، صص ۱۲۴ و ۱۲۵)

## ۲-۳- نقد نظریات مسئولیت مبتنی بر تقصیر

استدلال مطروحه و نظرات مبتنی بر حاکمیت مسئولیت مبتنی بر تقصیر در قانون حمایت بنا به دلایل ذیل قابل پذیرش

نخواهد بود:

نخست اینکه دو واژه «ضامن» و «مسئول» در قانون مدنی ایران در اغلب موارد در یک مفهوم و به جای هم بکار می‌روند. به‌عنوان مثال ماده ۵۴ قانون مدنی اشعار می‌دارد: «اگر مالی که موضوع حق انتفاع است بدون تعدی یا تفریط منتفع تلف شود، مشارالیه مسئول آن نخواهد بود، و بلافاصله در ماده ۵۲ مقرر می‌نماید: «در موارد ذیل منتفع «ضامن» تضررات مالک است: ۱- در صورتی که منتفع از مال موضوع انتفاع سوءاستفاده کند ...» که قانون‌گذار دو واژه مدنظر را در یک معنی به کار برده است و نمونه‌های زیادی در این رابطه از جمله مواد ۲۷۳، ۳۱۵، ۳۳۲، ۲۶۱، ۲۹۷، ۳۰۳، ۳۰۹ قابل ذکر است پس تغییر واژگان مذکور در طرح اولیه و طرح تصویبی دلیل عدول قانون‌گذار از یک نظریه حقوقی و اقبال وی به یک نظریه دیگر نیست.

دوم اینکه آنچه در ماده قانونی به ضوابط و شرایط مندرج در قوانین و یا مندرجات قرارداد یا عرف مقید شده «مسئولیت» نیست، بلکه صحت و سلامت کالا بر اساس ضوابط قانونی یا توافق طرفین و یا عرف در معاملات است. بدیهی است مسئولیت نتیجه است و نه فعل، و نتیجه در این بحث نمی‌تواند به شرایط اعلامی مقید شود، به‌عنوان مثال اگر شخصی کالایی را از یک تولیدکننده با شرایط مورد توافق طرفین خریداری نماید و بعد از تحویل عدم مطابقت کالای تحویلی با اوصاف مورد توافق و یا وجود عیب، خریدار حق استفاده از حقوق مندرج در قانون را خواهد داشت و قانون‌گذار نیز در ادامه ماده ۲ ضوابط و شرایط مدنظر خود را با قید عبارت «... اگر موضوع معامله کلی باشد در صورت وجود عیب یا عدم انطباق کالا با شرایط تعیین شده ...» معین و در ادامه نیز نتیجه این عدم تطابق ذکر شده است، پس قانون‌گذار واژه مسئولیت را به ضوابط مدنظر مقید ننموده چون تعیین مسئولیت بر اساس ضوابط قانونی بعمل می‌آید و در پاره ای موارد نیز از قواعد امری بوده و ارجاع به قرارداد یا عرف در این رابطه مفهوم ندارد لذا دلیلی بر رجوع به مبنای سنتی مسئولیت وجود ندارد.

سوم: هدف قانون‌گذار از طرح و تصویب مقررات مندرج در قانون حمایت ایجاد مزایایی برای مصرف‌کنندگان بوده است و به همین سبب نیز مقررات مندرج در قانون حمایت را تنظیم نموده است. چگونه می‌توان ادعا کرد قانون‌گذار علیرغم حکیم بودن و در مقام بیان بودن هیچ حکم جدیدی بیان ننموده است و حتی با قبول این استنباط، امتیازات مکتسبه قبلی خریدار و مصرف‌کننده را که در قوانین سابق ایجاد کرده بود از بین خواهد رفت. واضح است مسئولیت قراردادی مسئولیت مبتنی بر تقصیر نیست و هر کدام از طرفین رابطه قراردادی به تعهد خویش عمل نکند مسئول قراردادی قلمداد خواهد شد و نیازی به اثبات تقصیر متعهد نخواهد بود، چگونه قابل پذیرش خواهد بود که خریدار کالایی که کالای تسلیمی وی مطابق مندرجات قرارداد نبوده بر مبنای تقصیر خسارت خویش را مطالبه نماید.

چهارم: یکی از مبانی مسئولیت در مسئولیت ناشی از تولید هر محصول این تعهد ضمنی و بدیهی است که کالا برای مقصود عرضه‌شده به کار خواهد آمد و خطری برای مصرف‌کننده ندارد پس اگر مفاد این تعهد رعایت نشود تولیدکننده مسئول خسارت ناشی از آن است. هر چند هیچ تقصیری را نتوان به او نسبت داد در واقع می‌توان گفت، مسئولیت محض نتیجه و میراث باقی مانده از همین تضمین سلامت مبیع است که در جهان صنعتی بدین صورت آمده است. (کاتوزیان، همان، ص ۱۰۸)

صرف‌نظر از اینکه مبانی دیگر مسئولیت محض نیز همانند حق بنیادین مصرف‌کننده بر سلامت و ایمنی کالا در این موضوع وجود دارد، ولی همان دلیل اول بر رد استدلال مبتنی بر نظریه تقصیر کفایت می‌کند. از سوی دیگر تبصره ماده ۲



قانون حمایت بیان می‌دارد: «چنانچه خسارات وارده ناشی از عیب یا عدم کیفیت باشد و عرضه‌کنندگان به آن آگاهی داشته باشند علاوه بر جبران خسارت به مجازات مقرر در این قانون محکوم خواهند شد. چنانچه اقدام آنان واجد عناوین مجرمانه دیگر باشد، مشمول همان قانون خواهد بود». علم و آگاهی بر وجود عیب ایراد یکی از مصادیق بارز تقصیر است که در ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی ایران به آن اشاره شده است و در تبصره مذکور نیز تقصیر مبتنی بر علم نیز از موجبات مجازات واردکننده زیان محسوب شده است، به عبارت دیگر آنچه وجود تقصیر در آن ضرورت دارد تبصره ماده ۲ قانون حمایت بوده و در سایر موارد نیازی به تقصیر نیست. توسعه جهانی حقوق مصرف، اقتباس قانون‌گذار ایران از دستورالعمل اروپایی مسؤولیت تولید و تعیین و تصویب قانون خاص در مورد حقوق مصرف‌کننده، و در مقام بیان بودن قانون‌گذار حاکی از تدبیر جدید در مورد مصرف‌کننده و اعطای امتیازات خاص به وی و جدایی از نظریات سنتی دلایل اساسی درستی این اعتقاد هستند.

به نظر می‌رسد ماده ۲ قانون حمایت، مسؤولیت ناشی از تولید را به صورت کلی بیان می‌کند، و قید عنوان عدم مطابقت کالا با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین و یا مندرجات قرارداد و عرف بدون اینکه عیب تلقی شود مؤید این امر است ولی در ماده ۱۸ همین قانون مسؤولیت ناشی از عیب تولید را بیان کرده و اگر خسارتی از این جهت به مصرف‌کننده وارد شود، می‌تواند تقاضای جبران خسارت نماید.

مواد ۱۸ و ۱۹ قانون حمایت صراحتاً به ایراد ضرر به مصرف‌کننده پرداخته و با توجه به صراحت قانون به نظر می‌رسد خسارات وارده به مصرف‌کننده که تعریف آن قبلاً ارائه شد را با توسل به این قانون قابل مطالبه دانست. ممکن است ادعا شود قانون‌گذار در پاره‌ای از مواد قانونی اشاره‌ای به مصرف‌کننده نداشته بلکه از واژه خریدار استفاده کرده و این عبارت شامل همه مشتریان با وصف مصرف‌کننده و غیرمصرف‌کننده خواهد بود و در این رابطه می‌توان به مواد ۲ و تبصره ماده ۱۹ استناد کرد ولی این برداشت صحیح نیست، چون قانون‌گذار مصرف‌کننده را به هر شخصی که کالا یا خدمت را خریداری می‌کند اطلاق نموده و در مقابل آنها نیز از واژه عرضه‌کننده شامل تولیدکننده، واردکننده، توزیع‌کنندگان، فروشندگان و ارائه‌کنندگان خدمات استفاده کرد، که در موارد استنادی هر دو واژه وجود دارد، و نظر قانون‌گذار از این واژه اشاره به فرآیند مصرف بوده و موضوع ارتباطی به غیرمصرف‌کننده ندارد.

قانون حمایت، مسؤولیت ناشی از عیب تولید را بیان کرده و اگر خسارتی از این جهت به مصرف‌کننده وارد شود می‌تواند تقاضای جبران خسارت نماید.

### ۳-۳-۳- محدوده مسؤولیت تولید

چنانکه بیان شد، مسؤولیت تولید، مسؤولیت بدون تقصیر است که شامل حق مطالبه جبران خسارت ناشی از عیب محصول از تولیدکننده است. برای تعیین دامنه این مسؤولیت کامل و بدون تقصیر، باید مفاهیم محصول، محصول معیوب، زیان‌دیده، فرد مسئول و خسارت ارائه شود. این مفاهیم با در نظر گرفتن قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان همچنین بهره‌گیری از دستورالعمل شماره ۸۵/۳۷۴ شورای اتحادیه اروپا توضیح داده خواهد شد.

#### ۳-۳-۱- محصول و محصول معیوب

قانون حمایت و قانون نظام صنفی ایران هیچ تعریفی از محصول یا کالا به عمل نیاورده ولی در لغت به معنی بازده، برآیند، فرآورده و نتیجه و غیره آمده است. محصول معیوب، محصولی است که انتظارات موجه ایمنی را برآورده نمی‌کند،

معیوب بودن یا نبودن یک محصول با در نظر گرفتن نحوه معرفی محصول به بازار، نحوه استفاده، زمان عرضه آن به بازار و سایر موارد مشابه تعیین می‌شود.

قانون‌گذار ما تعریفی از محصول معیوب ارائه نکرده بلکه مبادرت به تعریف عیب در بند ۴-۱ ماده یک قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان نموده است، به‌موجب آن منظور از عیب در این قانون زیاده، نقیصه یا تغییر حالتی است که موجب کاهش ارزش اقتصادی کالا یا خدمات گردد.

واژه «عیب» در فقه اسلام مورد تعریف فقها قرار گرفته است، شیخ انصاری (فخار طوسی، ۱۳۸۹، صص ۱۷۷ و ۲۱۷) معتقد است: ظاهر از لغت و عرف مردم این است که نقصان چیزی از مرتبه و صحت عیب نامیده می‌شود یا چیزی که از مرتبه و صحت کمبود داشته و پایین‌تر از حد و مرتبه صحت (سلامت) می‌باشد عیب است و اضافه نموده برخی علما در تعریف عیب گفته‌اند: «العیب هو الخروج عن المجری الطبیعی» ولی در نهایت بیان می‌کند: «بهترین تعریف برای عیب، آن است که علامه در دو کتاب پراج خود تحریر برشمرده و بر اساس آن، فزونی و کاستی در عین، اگر به نظر بازرگانان و اهل دادوستد کاهش مالیت کالا را به دنبال داشته باشد، عیب به حساب می‌آید». تعریفی که قانون‌گذار از عیب ارائه کرده برگرفته از فقه و تعریف فوق است ولی با این تفاوت که قید کاهش مالیت از نظر بازرگانان و اهل دادوستد از تعریف فقهی حذف شده است.

بدین ترتیب محصول معیوب به محصولی گفته خواهد شد که دارای نقیصه و یا زیادتی و یا تغییر حالتی است که موجب کاهش ارزش اقتصادی آن کالا یا خدمت می‌گردد. در اینجا با دو موضوع مواجه هستیم اول عیب موجود در کالای خریداری شده که باعث کاهش مالیت آن شده و دوم عیب موجود در محصول که موجب ورود خسارت و زیان به تمامیت جسمانی و اموال و دارایی دیگری و حتی خود مصرف‌کننده شده باشد. با توجه به این نکته که خسارات مربوط به خود محصول به لحاظ معیوب بودن مدنظر نیست، مسأله اول در ماده ۲ قانون حمایت مطرح و راه‌های جبران خسارت با ضوابط قانونی، قراردادی و عرفی نیز همانند عیب تلقی نموده پرواضح است که عدم مطابقت اوصاف کالا چه مبتنی بر اصل سلامت بوده و یا صراحتاً در عقد آمده و مبنای آن شرط باشد از نظر ضمانت‌اجرا در حقوق مدنی و در باب خیار عیب و خیار تخلف از شرط یا وصف، تفاوت وجود دارد ولی در قانون حمایت ضمانت‌اجرای هر دو به‌صورت یکسان تعیین شده است.

ولی موضوع دوم که از اهمیت اساسی برخوردار است مسئولیت ناشی از عیب تولید و خسارات وارده به موجب آن است. ماده ۱۸ قانون حمایت در این خصوص بیان می‌دارد: «چنانچه کالا یا خدمات عرضه شده توسط عرضه‌کنندگان معیوب باشد و به‌واسطه آن عیب، خساراتی به مصرف‌کننده وارد گردد متخلف علاوه بر جبران خسارت ...» اگر کالای عرضه شده به بازار معیوب بوده و به سبب عیب مذکور خسارتی وارد شود عرضه‌کنندگان مکلف به جبران خسارات وارده خواهند بود. به نظر می‌رسد تعریف به‌عمل آمده در خصوص واژه عیب، وافی مقصود نیست، و تعریف محصول معیوب موجد خسارت باید تعریفی جدای از تعریف عیب باشد و این تعریف به نظر صحیح می‌رسد: «محصول معیوب» به کمبود و نقصانی اطلاق می‌شود، که خطر فوت و صدمه به تمامیت جسمانی و یا دارایی دیگران را ایجاد کند. این عیب می‌تواند به طرق مختلفی مانند اطلاع‌رسانی، آموزش، طراحی، خطای تولید و ساخت و توسعه رخ دهد».

**۲-۳-۳- زیان دیده**

از آنجا که قانون حمایت صرفاً جهت حمایت از مصرف‌کنندگان تنظیم شده است لذا شناسایی شخص آسیب‌دیده از اهمیت اساسی برخوردار است. هر چند مسئولیت تولید عنوانی کلی بوده و محدود به مصرف‌کنندگان نیست ولی آنچه موضوع بحث ماست، قوانین حمایتی و ذینفعان آن است. لذا شخصی که به دلیل عیب محصول آسیب دیده، در صورتی که مصرف‌کننده باشد حق استناد به قانون حمایت جهت مطالبه و جبران خسارت را خواهد داشت و اشخاص غیرمصرف‌کننده با توسل به قوانین عام مدنی و مسئولیت مدنی حق مطالبه جبران خسارت را دارا هستند، منتهی در دستورالعمل اروپایی زیان‌دیده محدود به مصرف‌کننده نشده است چرا که دستورالعمل مذکور در خصوص مسئولیت تولید صرف‌نظر از مصرف‌کننده بودن یا نبودن طرف مقابل، ایجاد شده است. ولی قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان فقط برای حمایت از قشر مصرف‌کننده تصویب شده است.

**۳-۳-۳- شخص مسئول**

شخص مسئول برابر مفاد قانون حمایت از عرضه‌کنندگان و برابر بند ۲ ماده یک قانون حمایت شامل تولیدکنندگان، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان، فروشندگان کالا و ارائه‌کنندگان خدمات است. عرضه‌کنندگان مجموعه‌ای از اشخاص هستند که در زنجیره تولید و عرضه کالا و خدمات نقش اساسی ایفاء می‌کنند، قانون‌گذار در مواد ۲، ۱۸ و ۱۹ و تبصره آن عرضه‌کنندگان را به‌طور عام مسئول جبران خسارت معرفی کرده است، اگر در اثر استفاده از یک کالای معیوب خسارتی به یک شخص وارد شود کدام یک از عرضه‌کنندگان مسئول جبران خسارت است، تولیدکننده، واردکننده در صورت وارداتی بودن کالا و یا توزیع‌کنندگان و فروشندگان به‌تنهایی مسئول خواهند بود، یا همه آنها مشترکاً مسئول خسارات وارده هستند و زیان‌دیده یا باید به همه آنها مشترکاً رجوع کند یا مجبور است به فروشنده یا توزیع‌کننده‌ای که کالا را تهیه کرده مراجعه کند و در غیر این صورت باید به تولیدکننده یا واردکننده مراجعه کند. اگر هیچ‌گونه دسترسی به تولیدکننده یا واردکننده نباشد و یا در خارج از کشور باشد تکلیف زیان‌دیده چه خواهد بود و یا تولیدکننده مدعی عدم ارتباط حقوقی با زیان‌دیده باشد، آیا زیان‌دیده می‌تواند به فروشنده‌ای که کالا را از او خریداری نموده مراجعه نموده و خسارت خود را از او تأمین کند و فروشنده نیز می‌تواند به ایادی سابق جهت تأمین خسارات پرداختی مراجعه کند، ملاحظه می‌شود که تعیین شخص مسئول در این رابطه از اهمیت اساسی برخوردار است، ولی این موضوع آن‌چنان که شایسته است در حقوق ما مورد توجه قرار نگرفته است و از مفاد قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان نیز نمی‌توان نظرات قابل‌اعتنایی را استنباط و استخراج کرد.

**۴-۳- مسئولیت کلی تولید**

در خصوص مسئولیت کلی تولیدکننده مباحث زیادی در نظام‌های مختلفی ارائه شده است. به جرأت می‌توان ادعا کرد که شایسته‌ترین شخص برای جبران مسئولیت، تولیدکننده است. چرا که عیب تولید مربوط به تولیدکننده و سازنده محصول است و ایادی بعدی شامل توزیع‌کنندگان، فروشندگان و گاهی واردکنندگان فقط وسیله انتقال کالای معیوب به زیان‌دیده هستند و جبران خسارت از سوی مسبب اصلی و شخصی که سود اصلی را می‌برد، انجام می‌گیرد، از طرف دیگر تولیدکننده از نظر اقتصادی توان بیشتری برای جبران خسارت دارد، در حالی که بقیه مسئولین (توزیع‌کننده و فروشنده)، ممکن است تهی‌دست باشند و امکان جبران خسارت را نداشته و زیان‌دیده در صورت رجوع به ایشان نتواند به حقوق

واقعی خود دست پیدا کند، هر چند ممکن است مراجعه زیان دیده به تولیدکننده از نقطه نظر اثباتی به لحاظ قدرت اقتصادی و توانایی فنی وی سخت باشد ولی جبران خسارت از این طریق به ویژه زمانی که مسئولیت توسط تولیدکننده بیمه می شود سهل تر است.

ماده ۲ قانون حمایت ایران کلیه عرضه کنندگان (تولیدکنندگان، واردکنندگان، توزیع کنندگان و فروشندگان کالا و ارائه کنندگان خدمات) منفرداً یا مشترکاً مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه شده دانسته است. ملاحظه سوابق بررسی های به عمل آمده در مجلس شورای اسلامی به ویژه مرکز پژوهش های مجلس در پیوست های مختلف حاکی از تغییر عبارت «منفرداً و متضامناً» به عبارت «منفرداً و مشترکاً» است. ولی مسئولیت مشترک در نظام حقوقی ایران شناخته شده نیست. پرواضح است حذف عبارت مندرج در لایحه و پیوست های پیشنهادی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی و تصویب مسئولیت مشترک مبتنی بر هدف خاصی بوده و نشانگر اشتباه قانون گذار در انتخاب واژه نیست و به عبارت دیگر قانون گذار ظاهراً از بکار بردن مسئولیت تضامنی عدول کرده است. با این وصف مسئولیت مشترک و آثار آن چه خواهد بود؟

اساتید حقوق مدنی در تعریف مسئولیت تضامنی یا تضامن بین بدهکاران معتقدند: «مسئولیت تضامنی بر دو پایه اصلی استوار است: ۱- هریک از بدهکاران مشترک، مسئول پرداخت دین است و طلبکار می تواند به یک یا چند بدهکار رجوع نموده و تمام یا قسمتی از دین را از هر کدام مطالبه نماید. ۲- پرداخت دین از سوی هر بدهکار دیگران را نیز بریء می کند و طلبکار حق ندارد از مجموع بدهکاران بیش از طلب خود بگیرد».

در تعریف مسئولیت تضامنی می توان گفت «التزامات متعدد برای یک دین» این تعریف بیانگر جوهر اصلی مسئولیت تضامنی در تمامی اقسام آن است. (کاتوزیان، همان، ص ۲۰۲) نظریه مشهور فقهای امامیه در خصوص عقد ضمان مبتنی بر نقل ذمه به ذمه است و در ماده ۶۹۸ به این امر اشاره شده است و مواد ۴۰۲، ۴۰۳ و ۴۰۴ قانون تجارت نیز مبین عدم اصل بودن تضامن است؛ چرا که برخی از فقهای امامیه مبنای عدم پذیرش نظریه ضم ذمه به ذمه را عدم امکان عقلی تحقق آن در عالم ثبوت می دانند. (نجفی، ۱۳۶۷، صص ۲۶ و ۱۱۳؛ نایینی، ۱۴۱۸، صص ۲ و ۱۸۶) به نظر می رسد همین غلبه فقهی و قانونی باعث شده مجلس شورای اسلامی از بکار بردن واژه ضامن منصرف و از عبارت «منفرداً و مشترکاً» استفاده نماید.

در نظام حقوقی ایران برخلاف نظام های حقوقی خارجی به ویژه ایالات متحده آمریکا به اشتراک در خطا و ضمان اشاره ای نشده است، اصول و قواعد حقوقی به منظور نیل به عدالت و اخلاق نتایج را تنها به اسباب تعیینی اسناد می دهند به همین سبب در نظام های حقوقی مختلف قواعدی برای وصول به این اهداف طراحی شده است، مهم ترین دلیلی که در نظام های حقوقی در این زمینه وجود دارد، شرطیت رابطه سببی است؛ در نظام حقوقی آمریکا با هدف تأمین عدالت و انصاف از دو معیار سببیت واقعی و سببیت نزدیک یا قانونی استفاده می شود. (Mason, ۲۰۰۶, p ۱۱۵۸) اولاً، فقط شخص عامل زیان محکوم به جبران خسارت شود (سببیت واقعی) ثانیاً، عامل زیان نیز تنها نتایج نزدیک عمل زیان بار خود را تحمل کند، نه تمام آثار و نتایجی که ممکن است از عمل او حادث گردد. (سببیت نزدیک یا قانونی). اهمیت وجود شرط رابطه سببیت در احراز مسئولیت اعم از مدنی و جزایی به حدی است که برخی مسئولیت مدنی را با سببیت در ورود خسارت برابر دانسته اند. (Hart, Honori, ۱۹۸۵, p ۶۵ & Green, ۱۹۶۲, pp ۵۴۵-۵۶۲)

علی رغم این دیدگاه، مقررات انتساب در حقوق کیفری و خطاهای آمریکا، بسیاری از شرایط مسؤولیت را تغییر داده است، برای مثال در جایی که شخصی ارتکاب رکن مادی خطایی را که دیگری انجام می‌دهد موجب شده باشد لذا ارتکاب رکن مادی به سبب نیز مستند می‌گردد. (Rabinson, ۱۹۸۴, pp ۱۴-۶۱۳) یکی از دلایل عمده این توسعه، بازدارندگی از تولید جرم و خطا است.

در فقه اسلام و حقوق ایران احراز رابطه سببیت به عنوان عنصر لازم در مسؤولیت مدنی و کیفری معرفی شده است، در احراز این عنصر به رابطه میان رفتار زیانبار و نتیجه آن توجه می‌شود که مبین پیوند علی و یا سببی بین دو پدیده مادی ذکر شده است. نظام حقوقی آمریکا، حسب مورد، با اتکا به مفاهیم و قواعد ابداعی مختلف سعی در توسعه ماهیت انتساب رکن مادی خطا شده است، ملاحظه نظام حقوقی ایران نیز حاکی از وجود برخی مشابهت‌ها در این زمینه است که معاونت در جرم، مباشر معنوی، اشتباه موضوعی، خطای محض و غیره مفاهیمی قابل انطباق با حقوق آمریکا است هر چند مبانی مختلف در حقوق دو کشور نتایج متفاوتی نیز به دنبال داشته است.

شرکت در جرم یا خطا در فقه اسلام و حقوق ایران از مفهوم مضیقی برخوردار است و تنها معیار احراز آن عبارت است از شرکت بیش از یک نفر به نحو عرضی در ارتکاب رکن مادی جرم یا خطا، در حالی که در حقوق آمریکا معیارهای متنوعی برای احراز اشتراک در خطا ارائه شده است. (clark v. new sam and Edwards, (۱۸/۷) ۱ Excl)

قاعده اشتراک در مسؤولیت در فقه امامیه مبتنی بر تساوی افراد بر تحمل مسؤولیت تقسیم شده است. هر چند برخی از حقوق دانان در پاره‌ای از فروع قائل به ثبوت مسؤولیت تضامنی هستند (یزدانیان، نیازی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۶؛ امیری قائم مقامی، ۱۳۵۵، ص ۲۸۸) ولی مورد اقبال حقوق دانان دیگر قرار نگرفته است.

در حال حاضر پذیرش مسؤولیت تضامنی در حوزه‌های مختلف روابط حقوقی به ویژه حقوق مصرف امری متعارف و اجتناب‌ناپذیر است و نمونه‌هایی از مسؤولیت تضامنی در قوانین ایران قابل مشاهده است و می‌توان به اصل مسؤولیت تضامنی در اسناد تجاری، اصل غیرقابل استماع بودن ایرادات، حقوق شرکت‌های تضامنی و مختلط اشاره کرد و از طرف دیگر مبانی استدلالی قابل اتکایی در باب مسؤولیت تضامنی در مواردی که مسبب خسارت و متعهدین جبران خسارت متعدد هستند، وجود دارد.

### ۳-۵- پذیرش مسؤولیت تضامنی عرضه‌کنندگان در حقوق مصرف

صرف نظر از بحث اثباتی و مفاد ادله نقلی مانند حدیث «علی‌الید...» و یا مفاد قانونی، مسؤولیت تضامنی چیست؟ در مقام ثبوت و مقتضای قواعد عقلی، عمده‌ترین اشکالاتی که مخالفان امکان عقلی مسؤولیت تضامنی مطرح کرده‌اند، عبارت است از ۱- با وجود این که هر چیز یک بدل بیشتر ندارد، چگونه معقول است که بدل بر عهده اشخاص متعدد قرار گیرد؟ ۲- مفهوم ضمان این است که آنچه در تصرف فرد قرار گیرد بر عهده متصرف باشد، چگونه ممکن است ضمان به تبع کثرت تصرفات، متعدد شود؟ زیرا این امر مستلزم آن است که شیء واحد در زمان واحد در مکان‌های متعدد واقع شود. پاسخی که به اشکال دوم داده شده است مبتنی بر این است که امکان اعتبار کردن شیء واحد در مکان‌های متعدد اعتباری، در عالم اعتبار و با توجه به واسع بودن امر اعتبار وجود دارد که این امر اشکال را مرتفع می‌سازد و هیچ اشکال عقلایی در این مورد باقی نمی‌ماند و احکام عالم اعتبارات عقلایی را نباید با عالم تکوین و فلسفه مقایسه کرد. با توجه به استدلال‌های ارائه شده مسؤولیت تضامنی عرضی ثبوتاً مواجه با اشکال نیست و پذیرش فی‌الجمله آن در برخی از احکام

فقهی گویای پذیرش ضمنی امکان ثبوتی آن است. هر چند نظریه تعهدات طولی نیز می‌تواند توجیه‌کننده مسئولیت تضامنی باشد. نظریه‌های وحدت موضوع و تعدد رابطه‌های مطرح در دکترین حقوقی نیز هر چند پاره‌ای از حقیقت مسئولیت تضامنی را بیان می‌کند، ولی نمی‌تواند ماهیت و آثار آن را توجیه نماید.

به این ترتیب، نظریه مسئولیت تضامنی طولی و عرضی با هیچ مانع عقلی و تحلیلی مواجه نیست. خطا ممکن است به تنهایی یا با مشارکت افراد متعدد محقق شود. هر گاه شرکت در خطا محرز گردد، مسئولیت مدنی به طور کامل بر خطاکاران مشترک تحمیل می‌شود، زیرا اصل بر این است که ارتکاب رکن مادی خطا به هر یک از آنها به نحو مستقل مستند است بررسی معیارهای احراز اشتراک در خطا در ایالات متحده نیز حاکی از آن است که غیر از مبانی فنی و حقوقی که حکم به احراز اشتراک در خطا و ضمان را توجیه می‌کند، اصولاً ادله سودانگاران و اجتماعی چنین حکمی را موجه نشان می‌دهد.

با توجه به مباحثی که در خصوص مسئولیت، به‌ویژه مسئولیت اشتراکی بیان شد، هدف قانون‌گذار از قید عبارت «منفرداً یا مشترکاً» مسئول هستند، چیست؟ آیا منظور مسئولیت تضامنی عرضه‌کنندگان کالا یا خدمات است و زیان‌دیده می‌تواند به هر یک از تولیدکننده، واردکننده، فروشنده و عرضه‌کننده جهت جبران خسارت خویش مراجعه نماید یا اینکه مسئولیت عرضه‌کنندگان از نوع تضامن طولی بوده و زیان‌دیده می‌تواند به شخص فروشنده مراجعه و خسارت خویش را مطالبه و ایشان نیز می‌تواند به فروشنده قبلی، تا به مسئول اصلی منتهی شود یا نه، و در فرض تضامن طولی نیز مسئولیت عرضه‌کنندگان مشترک بوده و در میان ایشان تسهیم خواهد شد.

بنابر توضیحات داده شده و دلایل ذیل، به نظر مسئولیت تضامنی عرضه‌کنندگان مورد توجه و اراده قانون‌گذار بوده است. مبنای قوانین حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان به‌غیر از حمایت از مصرف‌کنندگان به‌طور خاص ارائه راهکار مناسب جهت تضمین سهولت و تأمین خسارات مصرف‌کننده است و خسارت مصرف‌کننده در مسئولیت تضامنی عرضه‌کنندگان به‌آسانی قابل تأمین است. از نظر فقهی و حقوقی نیز هیچ دلیلی بر عدم پذیرش مسئولیت تضامنی عرضه‌کنندگان نیز وجود ندارد و دلایل ارائه شده حاکی از این بود که مسئولیت تضامنی هم در فقه امامیه و هم در حقوق مورد قبول واقع شده است. ثانیاً، مسئولیت منفرد یا مشترک چگونه قابل توجیه است، به نظر می‌رسد، این عبارت مسئولیت تضامنی را تقویت می‌کند چون مسئولیت مشترک مدنظر فقه امامیه که مبتنی بر تقسیم میزان خسارات میان خاطیان است و آن هم زمانی است که امکان انتساب خطا به هر یک از اسباب متعدد متصور نیست، بدیهی است در صورت انتساب خطا به هر شخص، ایشان به‌تنهایی مسئولیت خسارت را بر عهده خواهد داشت. ولی در مسئولیت تضامنی صرف‌نظر از اسناد خطا به هر یک از اسباب ورود خسارت همه اسباب، ضامن جبران خسارت هستند هر چند مسببین و خاطیان می‌توانند به عامل اصلی زیان جهت جبران خسارت رجوع نمایند. پس وقتی سخن از مسئولیت انفرادی یا مشترک به میان می‌آید هدف این است که اگر زیان‌دیده از میان خاطیان و مسببین به واردکننده اصلی خسارت رجوع کند، نامبرده منفرداً مسئول جبران خسارت است لیکن حق رجوع به شخص دیگری ندارد. این در حالی است که مسببین دیگر نیز در عین حال مسئول جبران خسارت بودند و امکان رجوع به ایشان نیز متصور بود، به‌عنوان مثال اگر کالای معیوب توسط یک شرکت در چین تولید و توسط شرکت بازرگانی وارداتی به ایران وارد و به‌وسیله نمایندگان واردکننده در تبریز تحویل خرده‌فروشی شده و شخص زیان‌دیده این کالا را از خرده‌فروشی تهیه نموده باشد و به‌دلیل استفاده از آن کالا به اموال خریدار خسارتی

وارد شود، همه زنجیره مصرف‌کنندگان، مسئولیت مشترک با مفهوم ضمان تضامنی برای جبران خسارت وارده دارند ولی شرکت تولیدکننده چینی صرف‌نظر از مسئولیت مشترک، منفرداً نیز مسئول جبران خسارت وارده است. ممکن است برخی مدعی شوند هدف قانون‌گذار از عبارت منفرداً، مسئولیت مستقل هر کدام از عرضه‌کنندگان به‌عنوان یکی از مسئولین تضامنی، و منظور از مسئولیت مشترک نیز همان مسئولیت اشتراکی مدنظر در فقه امامیه و حقوق مدنی است؟ زمانی که امکان انتساب عمل به هر یک از مسببین وجود ندارد، چنین استدلالی قابل پذیرش به‌نظر نمی‌رسد چرا که امکان تلقی یک شخص در زمان واحد به‌عنوان مسئول تضامنی و مسئول مشترک با مفهوم تجزیه رکن مادی خطای ارتكابی و استناد هر بخش از آن به نحو مساوی به شرکت‌کنندگان در خطا و انتساب آن به نحو مساوی به عاملین متعدد، وجود ندارد. در نهایت عبارت ذکر شده در قانون مبنی بر مسئولیت تضامنی عرضه‌کنندگان است و این برداشت با هدف و مبنای قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان سازگار به‌نظر می‌رسد و قطعاً قانون‌گذار برای پیشگیری از ایراد شورای نگهبان در رابطه با مخالفت واژه ضامن با نظر مشهور فقها از عبارت مسئولیت مشترک استفاده کرده است. لیکن آنچه توجه به آن در این مرحله ضروری است اینکه در حقوق ایران مسئول نهایی جبران خسارت معلوم نیست چرا که با مراجعه به فروشنده به عنوان در دسترس‌ترین شخص از عرضه‌کنندگان و جبران خسارت زیان‌دیده از ناحیه وی، آیا عرضه‌کننده حق مراجعه به ایادی قبلی را داراست، تا به همین ترتیب به مسئول نهایی ختم شود آیا مسئول نهایی در همه حال تولیدکننده خواهد بود؟ تعیین تکلیف وضعیت مذکور به نحوی که برای مصرف‌کننده و اعضای زنجیره تأمین مشکلی ایجاد ننماید وظیفه قانونگذار است.

### ۶-۳- مسئولیت ناشی از عیب کالا یا خدمات

به‌موجب ماده ۱۸ قانون حمایت «چنانچه کالا یا خدمات عرضه شده توسط عرضه‌کنندگان کالا یا خدمات معیوب باشد و به‌واسطه آن عیب، خسارتی به مصرف‌کننده وارد گردد، متخلف علاوه بر جبران خسارات به پرداخت جزای نقدی حداکثر تا معادل چهار برابر خسارت محکوم خواهد شد».

در این ماده قانونی، قانون‌گذار با ذکر عنوان عرضه‌کنندگان کالا در نهایت اگر خسارتی به سبب معیوب بودن کالا و یا خدمات وارد شود متخلف را مکلف به جبران خسارت و مستحق پرداخت جزای نقدی دانسته است. و به این ترتیب مسئول جبران خسارت را به شخص متخلف محدود نموده است و به‌عبارت دیگر از میان عرضه‌کنندگان شامل تولیدکننده، واردکننده، توزیع‌کننده، فروشنده و ارائه‌کننده خدمات، شخص مکلف به جبران خسارت است که مرتکب تخلف شده باشد.

تخلف در مفهوم کلی عبارت از تجاوز انسان از حدود یا قوانین و مقررات تعریف شده یا تصویب شده در هر قلمرو است. (شهیدی، ۱۳۶۹، ص ۱۳۷۴) تخلف در مباحث حقوقی، معانی مشترک و گاه مغایری دارد به عنوان مثال در حقوق مدنی و نیز قانون‌مدنی در بحث تعهد و خیارات و غیره تخلف در اشکال مشابه به‌کار رفته است و از آن به عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام تعهد تعبیر شده است و نیز ظهور در خلاف آنچه شرط شده یا توصیف شده را تخلف تلقی و عنوان کرده است. (سرخوش، ۱۳۹۶) و تخلف از تعهد در حقوق مدنی نیز در دو مورد الف) عدم انجام تعهد ب) تأخیر در انجام تعهد گفته می‌شود و فرق نمی‌کند که تخلف مزبور عمدی یا خطایی یا به قهر قاهر (فرس ماژور) باشد که البته نتیجه آن علی‌الاصول سبب مسئولیت قراردادی است. (لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۳).

یک کالا برای اینکه به دست مصرف‌کننده برسد یک شبکه و زنجیره‌ای را طی می‌کند که تولیدکنندگان، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان و فروشندگان در آن نقش اساسی ایفاء می‌کنند. ممکن است یک کالا در زمان تولید معیوب بوده و یا پس از تولید در مسیر شبکه عرضه در تصرف توزیع‌کننده یا فروشنده عیب حادث شده باشد، با توجه به ماده ۱۸ قانون حمایت در فروش یاد شده چه کسی متخلف تلقی می‌شود، استفاده از این عبارت مشکلات زیادی برای مصرف‌کنندگان، طرف مقابل دعوی و محاکم رسیدگی‌کننده ایجاد می‌کند چون برداشت‌های متفاوتی از این عبارت قابل استنباط است بدیهی است متخلف شخصی است که مرتکب تخلف شده است. پس:

۱- اگر تخلف در مفهوم کیفری مدنظر باشد که به‌کار بردن ماده ۱۸ ذیل فصل پنجم جریمه‌ها و مجازات این برداشت را تقویت می‌کند از میان عرضه‌کنندگان کسی مسئول جبران خسارت خواهد بود که عنصر مادی تخلف یعنی معیوب بودن کالا منتسب به اوست و زیان‌دیده باید این رابطه را اثبات نماید.

۲- اگر تخلف در مفهوم حقوق مدنی و در معنای مرادف تقصیر به‌کار رفته باشد صرف‌نظر از مفهوم تقصیر در این برداشت نیز شخصی که مرتکب تقصیر شده مسئول جبران خسارت است و زیان‌دیده مکلف است تقصیر خاطی را اثبات نماید در هر دو مورد یاد شده طرف دعوی می‌تواند از خود رفع ادعا نماید.

۳- اگر تخلف در مفهوم حقوق مدنی ولی در مفهوم تخلف از تعهد باشد دو فرض قابل تصور است:

۱- عدم انجام تعهد قراردادی ۲- عدم انجام تعهد قانونی (غیرقراردادی).

اگر تخلف از تعهد قراردادی مدنظر باشد قطعاً نوع و نحوه اقدام زیان‌دیده محدود و متفاوت خواهد بود چون زیان‌دیده فقط علیه شخصی که با او رابطه قراردادی چه از نوع شفاهی و چه کتبی داشته باشد و بر اساس قواعد حاکم بر رابطه قراردادی می‌تواند اقامه دعوی جبران خسارت نماید. بدیهی است این شخص به‌غیر از فروشنده شخص دیگری نخواهد بود که ایشان نیز ممکن است مدعی عدم علم و اطلاع از معیوب بودن کالا شده و سعی در رفع مسؤلیت از خویش نماید.

ولی در صورتی که تخلف از تعهد قانونی اولیه موردنظر باشد به این شرح که عرضه‌کنندگان مکلف به رعایت برخی تعهدات قانونی هستند مانند تعهد اولیه مبنی بر عدم ایراد خسارت به دیگران، مرادف مسؤلیت مدنی خواهد بود که در این برداشت نیز لزوم اثبات تقصیر هر یک از متعهدین توسط مصرف‌کننده ضروری خواهد بود.

قوانین حمایت از مصرف‌کننده با هدف تسهیل فرآیند جبران خسارت و احقاق حقوق مصرف‌کنندگان تنظیم می‌شود و هیچ یک از این فروض استنباطی با هدف قوانین حمایت از مصرف‌کننده سازگار نیست.

اگر در تفسیر این ماده قانونی به اهداف قانون‌گذار از تصویب قانون توجه نکنیم نتیجه‌ای که عاید خواهد شد این است که هیچ تغییری در قوانین موجود به نفع مصرف‌کننده حاصل نشده، و تنظیم چنین مقرراتی عبث و بیهوده بوده و حتی در پاره‌ای موارد قوانین سابق به نحو بهتری از حقوق مصرف‌کننده محافظت می‌کرد. با تفسیر به‌عمل آمده از ماده ۲ (رک: به شماره ۲-۳ همین مقاله) و ارائه اصل حاکم بر رابطه مصرف‌کننده و عرضه‌کننده مبتنی بر مسؤلیت محض عرضه‌کنندگان و ذکر عیب به‌عنوان یکی از مصادیق عدم صحت و سلامت کالا و خدمات ناگزیر ماده ۱۸ قانون نیز باید در راستای همین تفسیر و هدف قانون حمایت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، در پیشنهاد اولیه و لایحه تقدیمی دولت مبنای ماده مذکور و مجازات مندرج در آن وجود علم و آگاهی عرضه‌کنندگان از عیب کالا و خدمت بوده و به نوعی بیان مجازات قانونی



تخلف از تکلیف مندرج در تبصره ماده ۲ قانون حمایت بوده است که زمان تصویب قانون قید علم و آگاهی حذف، و ماده فوق به شکلی که بیان شد مورد تصویب قرار گرفته است. تبصره ماده ۲ قانون حمایت مقرر داشته است: «چنانچه خسارات وارده ناشی از عیب یا عدم کیفیت باشد و عرضه‌کنندگان به آن آگاهی داشته باشند، علاوه بر جبران خسارت به مجازات مقرر در این قانون محکوم خواهند شد...» مجازات تخلف از حکم تبصره یاد شده کدام است، فصل پنجم قانون با عنوان جریمه‌ها و مجازات شامل ۴ ماده و یک تبصره است که ماده ۱۸ موضوع بررسی این مبحث است ماده ۱۹ مجازات تخلف از تکالیف مندرج در مواد ۳ و ۸ قانون و تبصره آن نیز عدم ایفای تعهدات در قبال خریدار و ماده ۲۰ نیز تکلیف مراجع رسیدگی‌کننده در صدور حکم جمع‌آوری کالای معیوب جهت اصلاح و رفع عیب است و ماده ۲۱ نیز فرآیند اجرای قانون را بیان کرده که ارتباطی به فصل جریمه و مجازات ندارد. از طرف دیگر قسمت اخیر ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان بیان داشته: «در صورت فسخ معامله از سوی مشتری، پرداخت خسارت از سوی عرضه‌کننده منتفی است».

مفهوم مخالف این قسمت از ماده این است که اگر مصرف‌کننده معامله را فسخ نکند مستحق دریافت خسارت خواهد بود. البته این خسارت چیزی فراتر از مابه‌التفاوت کالای معیوب و سالم است، چرا که به این تفاوت خسارت اطلاق نمی‌شود.

نتیجه اینکه به نظر نگارنده حکم قانون‌گذار در رابطه با عیب کالا بدون علم و آگاهی عرضه‌کنندگان بر اساس ماده ۲ قانون تعیین شده و مفاد ماده ۱۸ قانون نیز مبین حکم قانون‌گذار در مورد مجازات عرضه‌کنندگان عالم و آگاه به وجود عیب است و هدف از قید عبارت «متخلف» مندرج در ماده ۱۸ نه تفاسیر قید شده در فوق بلکه عرضه‌کننده آگاه به وجود عیب است. چون در این مقرر به غیر از جبران خسارت، مجازات جزای نقدی پیش‌بینی شده پس متخلف باید رفتار غیرمشروع و قابل مجازات انجام داده باشد، این تخلف، چه تخلف انضباطی و صنفی باشد و چه یکی از مصادیق جرایم، مستلزم اثبات آن از ناحیه مصرف‌کننده است. البته اثبات علم و آگاهی عرضه‌کننده صرفاً مبنای اعمال مجازات است و ارتباطی به جبران خسارت وارده ندارد بلکه جبران خسارت بر اساس مفاد ماده ۲ قانون حمایت انجام خواهد پذیرفت و شاهد این مدعا مدلول ماده ۴۵ قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۱ مصوب مجلس شورای اسلامی است.

#### ۴- مرجع حل اختلاف در رسیدگی به ادعای خسارت در قوانین حمایت از مصرف‌کننده

رویه حاکم در سیستم قضایی ایران با توجه به عملکرد سازمان تعزیرات حکومتی و غلبه وجه تعزیری و اعمال مجازات آن بر این منوال است که قوانین حمایت از مصرف‌کننده قوانین کیفری صرف، جهت مجازات متخلفین صنفی بوده، و خسارات وارده از قبل رفتار افراد صنفی و عرضه‌کنندگان به طرف مقابل از طریق محاکم عمومی قابل درخواست است و البته رویه شعب تعزیرات حکومتی به‌ویژه بعد از تصویب قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان این برداشت را تقویت نموده و در عمل حل اختلافات راجع به معاملات و قراردادهای و خسارات ناشی از آن در محاکم عمومی به‌عمل می‌آید و محاکم قضایی نیز در اغلب موارد و دادخواست‌های واصله مبادرت به رسیدگی ماهوی نموده و از خود رد صلاحیت نمی‌کنند. در حالی که قوانین و مقررات حاکم بر خلاف این رویه است.

ماده ۵۳ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر داشته بود که اگر به علت وقوع تخلفات مشمول تعزیرات حکومتی خسارتی متوجه شرکت‌ها و دستگاه‌های موضوع ماده ۱۹ این قانون شده باشد مراجع صدور احکام تعزیرات حکومتی ضمن صدور احکام تعزیرات عامل ورود خسارت را مکلف به جبران خسارت می‌نماید» شرکت‌ها و دستگاه‌های یاد شده دولتی بودند که به موجب تبصره ۲ ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳/۰۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام نسخ شد. لیکن در ماده ۵۴ همان قانون اشعار می‌دارد: «در کلیه مواردی که به علت وقوع تخلفات مشمول تعزیرات حکومتی خسارتی متوجه اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی شده باشد حق شکایت برای آنها محفوظ خواهد بود» استنباط مراجع تعزیرات حکومتی از جمع دو ماده مرقوم بر این بود که چون قانون‌گذار برخلاف ماده ۵۳ در ماده ۵۴ تکلیف بر عهده مراجع صدور احکام تعزیرات حکومتی بار ننموده و به محفوظ بودن شکایت کفایت نموده اصولاً مرجع رسیدگی و صدور حکم در خصوص خسارات محاکم حقوقی دادگستری است، لذا در این موارد معتقد به صلاحیت محاکم عمومی حقوقی بوده و شکات را به اقدام از طریق مراجع مذکور ارشاد می‌نمودند. هر چند که مفهوم بخشی از نظریه شماره ۲۱۰/۶۱۶ مورخ ۱۳۷۸/۰۲/۲۵ اداره حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی بر این قرار بود که «۴- .... در هر حال مبلغ حاصل از گران‌فروشی و خسارت وارده وفق مواد ۵۳ و ۵۴ قانون تعزیرات حکومتی باید مسترد گردد و این مسأله در مواردی که خسارت و ضرر و زیان متوجه بخش دولتی نباشد منوط به تقاضا و شکایت متضرر از وقوع تخلف می‌باشد» و به نوعی مرجع تعزیراتی را صالح به اتخاذ تصمیم در خصوص خسارات وارده در صورت شکایت متضرر از وقوع تخلف می‌دانست ولی با این وصف در عمل مورد اقبال مراجع رسیدگی‌کننده قرار نگرفته بود و این فرآیند اقدام به اخذ خسارات از طریق محاکم عمومی را به عنوان یک رویه، حاکم نموده بود که تاکنون علیرغم تغییرات قابل توجه در مفاد قوانین همچنان باقی است. (رک: به رأی شماره ۴۶۵ مورخ ۱۳۸۴/۰۹/۲۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری).

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در رأی شماره ۴۶۵ مورخ ۱۳۸۴/۰۹/۲۰ مقرر داشت: «... و تعیین مجازات متخلفین و همچنین الزام عاملان خسارت وارده به شرکت‌ها و مؤسسات مندرج در ماده ۱۹ آن قانون را به شرح ماده ۵۳ در صلاحیت مراجع صدور احکام تعزیرات حکومتی قرار داده است ...» نظر به مراتب فوق‌الذکر سیاق عبارت ماده ۵۴ قانون تعزیرات حکومتی در باب حقانیت اشخاص حقیقی و حقوقی به طرح شکایت به واسطه خسارات ناشی از تخلفات موضوع قانون مزبور ظهور در قابلیت رسیدگی به شکایت اشخاص به تبع رسیدگی به تخلفات مربوط در مراجع ذیصلاح سازمان تعزیرات حکومتی دارد ...». همچنین نظریه مشورتی شماره ۲۱۰/۳۵۱۹ مورخ ۱۳۸۷/۰۵/۱۹ اداره حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی (رک: به نظریه مشورتی شماره ۲۱۰/۳۵۱۹ مورخ ۱۳۸۷/۰۵/۱۹ اداره حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی) صراحتاً اعلام داشت «رسیدگی به درخواست جبران خسارت ناشی از تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی در حیطه مقررات موضوع ماده ۵۴ قانون تعزیرات حکومتی از وظایف شعب سازمان بوده ...».

## نتیجه گیری و پیشنهادات

مسئولیت تولیدکننده شامل بسیاری از مشکلات حقوقی منحصر به فرد است. این مشکلات باید در اسرع وقت به یک ترتیب و نظم قانونی مناسب برسد، تا مسئولیت محض را بر عهده عرضه کنندگان بگذارد.

پیشنهادات:

- ۱- درحقیقت، با مقررات تصویبی قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در سال ۱۳۸۸ مسئولیت مبهمی بر عهده عرضه کنندگان قرار گرفت. با این حال مقررات قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان که مسئولیت عینی مبتنی بر صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه شده که برای عرضه‌کنندگان در نظر گرفته است مفید حمایت مناسب از مصرف‌کننده نیست و اساساً مبنای مسئولیت عرضه‌کننده مشخص نشده است و تکلیف مصرف‌کننده جهت احقاق خویش به‌طور واضح و صریح معین نگردیده، معلوم نیست مصرف‌کننده علیه چه کسی اقامه دعوی نماید، مسئولیت تولید یکی از انواع مسئولیت بدون تقصیر و در چهارچوب مسئولیت مبتنی بر مراقبت عینی است، در حال حاضر مسئولیت تولید در مفهوم عام پشتوانه قانونی مناسبی ندارد، بنابراین هنوز در نظام حقوقی ما نیاز به تصویب قانونی است که مسئولیت عینی را بر تولیدکنندگان به ارمغان بیاورد تا زمانی که چنین قانونی تنظیم نشده است افرادی که از محصولات معیوب آسیب دیده‌اند در صورت مصرف‌کننده بودن بر اساس قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و در غیر این صورت بر مبنای قانون مسئولیت‌مدنی اقدام خواهند کرد.
- ۲- تعریف مناسبی از کالا و خدمات در قوانین ما ارائه نشده، لذا تعریف محصول به عنوان «هر مال منقولی که در نتیجه فرآیند تولید بوجود می‌آید»، به علاوه اموال منقولی که در یک مال غیرمنقول دیگری بکار رفته باشند از دیدگاه مسئولیت تولید نباید ماهیت خود را به عنوان یک محصول از دست بدهند و از طرف دیگر برق و انرژی‌های طبیعی دیگر در زمره کالا پذیرفته شوند.
- ۳- اگر در اثر محصول معیوب، مسئولیتی ایجاد شود زیان‌دیده می‌تواند از تولیدکننده مطالبه خسارت نماید، در این زمینه تولیدکننده کسی است که کالای تولیدی را به بازار عرضه نموده و یا این محصولات و مواد اولیه مربوطه و یا کالاهای واسطه‌ای را با قرار دادن علامت مشخص و یا برند تجاری و یا عنوان خود بر روی محصول، خود را به عنوان تولیدکننده یا واردکننده محصول معرفی می‌نماید. اگر عرضه‌کنندگان (به‌غیر از تولیدکننده) از معرفی تولیدکننده یا واردکننده عاجز بمانند محدود به شرایطی تولیدکننده محسوب خواهند شد. در وضعیتی که تولیدکننده مسئول باشد نمی‌تواند با اثبات شرایط رافع مسئولیت و ادعای انجام مراقبت عینی لازم از مسئولیت رهایی یابد.

## فهرست منابع

### منابع فارسی

- انصاری، مرتضی، (۱۴۲۵ق)، المكاسب، جلد ۳، بی‌جا، انتشارات الامام المنتظر.
- النجفی خوانساری، منیه الطالب، (۱۴۳۳ق)، تقریرات درس میرزا محمدحسن نائینی، بیجا، مؤسسه بن حمد، انتشارات مؤسسه نشر اسلامی.
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید، (۱۳۵۵ش) حقوق تعهدات، انتشارات دانشگاه تهران.
- بابایی، ایرج، (۱۳۸۱ش)، شرایط خسارت قابل جبران، بی‌جا، کار تحقیقاتی در دانشگاه علامه طباطبایی.
- بادینی، حسن، (زمستان ۱۳۸۳ش)، هدف مسئولیت مدنی، مجله دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۶.
- باریکلو، علیرضا، (زمستان ۱۳۸۳ش)، مسئولیت مدنی، بی‌جا، انتشارات میزان.
- بهرامی احمدی، حمید، (زمستان ۱۳۸۳ش)، سوء استفاده از حق، بی‌جا، انتشارات میزان.
- حضرتی شاهین دژ، صمد و طاهریان، سیروان، (۱۳۹۷ش)، مسئولیت تولیدکنندگان کالا در برابر حقوق مصرف‌کنندگان، انتشارات صالحیان.
- خوانساری، احمد، (۱۴۰۵ق)، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، جلد ۵، بیجا، انتشارات مؤسسه اسماعیلیان.
- سرخوش، جواد و شکری، حمید، (۱۳۹۶ش)، تفاوت ماهیت جرم و تخلف، نشر شده در دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی.
- شهیدی، محمدحسین، (۱۳۶۹ش)، نگرشی بر فرهنگ تخلف و تخلف در ترافیک، تهران، نشر سازمان ترافیک تهران.
- صمدی اکمل، محسن، (۱۳۹۷ش)، شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی با تکیه بر مسئولیت قراردادی و قهری، اولین کنفرانس پژوهش‌های نوین در مدیریت و حقوق، کازرون.
- طحانیان، بهنوش، (۱۳۹۷ش)، بررسی راه‌های جبران خسارت در حقوق ایران، اولین همایش ملی ارتقاء نظام مسئولیت مدنی در حقوق - ایران چالش‌ها و راهکارها، دامغان.
- فخار طوسی، جواد، (۱۳۸۹ش)، در محضر شیخ انصاری، جلد ۶، نشر مرتضی.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲ش)، مسئولیت ناشی از عیب تولید، چاپ اول، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۸ش)، ترمینولوژی حقوق، چاپ دهم، انتشارات گنج دانش.
- لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۸ش)، حقوق مدنی (عقد ضمان)، تهران، انتشارات گنج دانش.
- معین، محمد، (۱۳۷۸ش)، فرهنگ فارسی، جلد اول، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- نجفی، محمدحسن، (۱۳۷۴ش)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۳۷، بی‌جا، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- یزدانیان، علیرضا، (۱۳۸۶ش)، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، بی‌جا، انتشارات میزان.
- یزدانیان، نیازی، (۱۳۹۳ش)، مطالعه تطبیقی مسئولیت تضامنی در فقه و حقوق فرانسه، مجله مطالعات حقوقی معاصر دانشگاه تبریز، دوره پنجم، شماره ۸.

### منابع انگلیسی

- Clark v. newsam and Edwards, (۱۸۴۷), (۱۸/۷) ۱ Excl.  
H.L.A. Hart, (۱۹۸۵), "Tony Honore, Causation in the Law". OUP Oxford, ۲ ed, p ۶۵.

Paul H. Rabinson, (۱۹۸۴), Imputed Criminal Liability. ۹۳ Yale L.J.

Richard C. mason, ۲۰۰۶, "Civil Liability for Aiding and Abetting" Business Lawyer (ABA), (۶۱), Issue ۳.

**Abstract**

Today, consumption has gained a global identity and the inhabitants of the earth play the role of consumers in some way, and in terms of consumption characteristics, they suffer the most. Mass-produced products are offered to consumers who are not already known and have no direct relationship with the manufacturer, and these products are mainly provided by the sellers to the consumer. This fact is there that distributor and seller have no information about goods nature and offered materials and any potential defects, and naturally a significant number of people may be harmed by the use of an unsafe or defective product, and the consumer has no legal relationship with anyone other than the seller. Protecting victims and compensating them is the responsibility of governments, and the provisions of civil law and civil liability, along with other formal rules, are responsible for this task. Due to the limitation of the principle of relativity of contracts, these regulations can not adequately protect the disadvantaged consumer. The right to compensation is one of the universal rights of the consumer and national laws should protect the consumer in this way Consumer protection laws should be regulated in such a way that the consumer achieves his potential rights at the lowest possible cost and in the shortest possible time. The aim of this article is the expressing naturall differences between buyers, appointment of a competent authority to deal with such claims and damages resulting from committing trade union violations will be analytical and descriptive.

**key words:** Damage, supplier, manufacturer, liability, partnership.